مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمدا اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

انصارالله در یمن در اکثریت هستند

القدس العربی
AL-QUDS AL-ARABI

احمد عبدالله: جنگ در یمن عنوانی برای جنگ‌های متعدد است که پس از کشمکش‌های سیاسی دشوار بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ آغاز شد اما زمینه‌های آن ریشه عمیقی دارد که به عدم حضور تاریخی یک حکومت واقعی در این کشور مربوط می‌شود.

مشکل امروز یمن تضادی است بین قدرتی که نیروهای ائتلاف از آن پشتیبانی می‌کنند اما در زمین نیروی واقعی سازماندهی‌شده‌ای ندارد و اکثریتی که بخش‌های مختلف ارتش یمن، گارد جمهوری، شبه‌نظامیان سازماندهی‌شده و قبیله‌ای، آن را تشکیل می‌دهند و دشمن آن قدرت هستند. این امر مانع بزرگی بر سر هر نوع صلح واقعی است، هر اندازه که نیروی ادبیات گفت‌وگو و توافق‌ها قوی باشد صرفا به نوشته‌هایی روی کاغذ تبدیل می‌شود زیرا با انحصار قدرت هر نوع عملیات سیاسی از سوی طرفی که قوی‌تر است، در معرض تهدید قرار می‌گیرد. یمن کشوری است که هنوز در مرحله پیش از دولت به سر می‌برد.

واقعیتی که هیچ‌کس تاکنون نخواست با آن با شفافیت تعامل کند این است که حوثی‌ها و نیروهای وفادار به علی عبدالله صالح در زمین نیروی بزرگ‌تری هستند. این نیروی نابی است که شاید بیرون راندن آن از مناطق جنوب آسان باشد اما ریشه‌کنی آنها در شمال دشوار است زیرا دارای ریشه‌های اجتماعی استوار و پایگاه‌های مردمی بزرگی است. همچنین حوثی‌ها نیرویی هستند که هنوز در دوره جوانی خود به سر می‌برند و دارای اعتقاداتی هستند که دارای هاله قدسی است و نمی‌توان پیشروی آنها را در مرزهای معینی متوقف کرد. به همین دلیل جنوب به طور منطقی از حیث ماهیت اجتماعی، وجدانی، محتوای سیاسی و نیروهای فعال آن، از این نیرو و پایگاه‌های مردمی‌اش دور می‌شود. بنابراین وضع شمال و جنوب در تضاد با یکدیگر متحول می‌شود که شاید بر روند جنگ، راه‌های تعیین سرنوشت جنگ و نتایج سیاسی تاثیرگذار باشد. با وجود مواضع متزلزل، هیچ‌کس نمی‌تواند با قاطعیت بگوید عربستان سعودی یا کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس به طور جدی از جدایی جنوب یا قطع ارتباط آن نگران هستند؛ با اینکه برخی تحلیلگران تلاش می‌کنند سستی در حمایت از مقاومت مردمی جنوب به صورت ویژه و دخالت نکردن نیروهای زمینی در عدن در ۳ ماه نخست جنگ را به این نگرانی ربط دهند که ممکن است مقاومت در شهرهای جنوبی به نیروی مسلط در یمن تبدیل شود و به‌طور تدریجی واقعیت سیاسی جدیدی را تحمیل کند. هنوز برخی پیچیدگی‌ها اجازه نمی‌دهد تصویر روشنی از اوضاع و سرانجام آن داشته باشیم اما امر قطعی این است که حوثی‌ها نیروی بزرگی هستند که هنوز از حیث نظامی و سیاسی از سوی طرف‌های منطقه‌ای و شاید بین‌المللی حمایت می‌شوند. طرف‌های غربی نیز به طور نسبی حوثی‌ها را قبول دارند. همچنین ائتلاف علی عبدالله صالح و حوثی‌ها حتی اگر مرحله‌ای باشد از حیث روابط مذهبی، قبیله‌ای، سیاسی و نظامی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و این قوی‌ترین پدیده تاریخی در یمن است که زاده توفانی از حوادث است که ماندن یمن در خارج از طرح مدنی امروزی را تقویت و غیبت تاریخی یک دولت فراگیر را تثبیت می‌کند. به همین دلیل جنوب بار دیگر در معادله وحدت قرار ندارد. بسیاری از تحلیلگران تصور می‌کنند ائتلاف عربی بویژه عربستان سعودی چاره‌ای ندارد جز اینکه هر نوع تغییرات ژئوپلیتیک گسترده را در داخل جغرافیای یمن به‌عنوان یک عمل انجام‌شده برای کمک به ثبات منطقه و ایجاد توازن واقعی بپذیرد تا برابری و موازنه بین شمال و جنوب محقق شود و هر نوع بلندپروازی منطقه‌ای برای تکروی در جنوب جزیرةالعرب مهار شود. فراتر از این مساله جنوب در این جنگ از مرز بهره‌برداری‌های سیاسی موقت فراتر رفته است و دیگر وضع قابل استمرار نیست مگر اینکه دو طرف درگیر، به راه‌حلی دست یابند که گزینه‌ها و خواسته‌های مردم در جنوب محقق شود و این امری است که برای نخبگان سیاسی حاکم بر منطقه و در داخل یمن آشکار شده است.

القدس العربی

ایران مهم‌ترین موضوع در سیاست خارجی ریاست جمهوری آینده آمریکا

ریچارد هاس: این غیرممکن است که شما بفهمید رای‌دهندگان آمریکایی چه کسی را به‌عنوان رئیس‌جمهوری آینده آمریکا انتخاب می‌کنند ولی این کاملا قطعی است که این انتخاب، پیامدهای عمیق بهتر یا بدتری برای کل جهان خواهد داشت. این مساله بیش از هر چیز دیگری بازتاب‌دهنده تداوم واقعیت قدرت آمریکا است. این مساله همچنین منعکس‌کننده این دیدگاه نزدیک به یقین است که رئیس‌جمهوری آینده وارث یک آشفتگی قابل ملاحظه خواهد بود. اینکه آقا یا خانمی که به‌عنوان رئیس‌جمهوری انتخاب می‌شود، چه کاری انجام می‌دهد و می‌خواهد آن را چگونه انجام دهد، یک مساله مهم برای همه مردم خواهد بود. گفته می‌شود بسیار دشوار است که بدانیم سیاست خارجی در تصمیم‌گیری برای اینکه چه کسی اتاق بیضی در کاخ سفید را اشغال می‌کند، چه نقشی دارد. ۱۶ ماه دیگر انتخابات سال ۲۰۱۶ برگزار می‌شود. از حالا تا آن زمان اتفاقات بسیاری رخ خواهد داد. ۲ حزب مرتبط با هم و در عین حال دارای اختلافات سیاسی یعنی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان نقش مهمی در خلال یک سال پیش رو ایفا خواهند کرد. هیلاری کلینتون، وزیر سابق خارجه آمریکا فعلا نامزد دموکرات‌هاست، هر چند هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌اند. در هر حال، سیاست خارجی نقش کمی در تصمیم برای انتخاب او خواهد داشت، چرا که بیشترین تمرکز او ماهیتا روی مسائل داخلی و اقتصاد است. وضعیت در میان جمهوری‌خواهان نیز آشفته و نامشخص است. اما به نظر می‌رسد سیاست خارجی در میان افرادی که نامزد جمهوری‌خواهان هستند، نقش مهمی ایفا می‌کند. اقتصاد در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما بهتر شده است و نمی‌تواند برای جمهوری‌خواهان هدف مناسبی باشد. در مقابل، وضعیت آشفته جهانی به جمهوری‌خواهان فرصتی داده است تا اوباما را بشدت سرزنش کنند. با وجود این، مسائل سیاست خارجی اندکی بر بحث‌های هر دو حزب حاکم است. یکی از آنها مسائل مربوط به تجارت است که هم از نظر داخلی و هم بین‌المللی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اوباما به دنبال مجوز توسعه تجارت است که موانع میان آمریکا و ۱۱ کشور دیگر را برای انعقاد پیمان تجارت آزاد برخواهد داشت. اما مهم‌ترین موضوع در سیاست خارجی حاکم بر مباحث مطرح‌شده در هر دو حزب، ایران و مذاکرات بین‌المللی برای محدود کردن برنامه هسته‌ای این کشور است. می‌توان پیش‌بینی کرد بسیاری از نامزدهای جمهوری‌خواهان مخالف توافق پیشنهادی اوباما باشند. سوالاتی مطرح خواهد شد مبنی بر اینکه کدام بخش از تحریم‌ها کاسته خواهد شد و این اتفاق چه زمانی رخ خواهد داد. سوالاتی درباره رعایت بازرسی‌ها و آنچه بعد از پایان توافق هسته‌ای رخ خواهد داد، مطرح می‌شود. نامزدهای دموکرات، علاقه‌مند هستند با آنچه در مذاکرات رخ می‌دهد همراهی کنند اما کاملا مشخص است اختلافاتی میان نامزدها در هر دو حزب وجود دارد.

پایگاه اینترنتی اندیشکده پروژه سیندیکیت

ناتو نگران استقرار موشک‌های اتمی آمریکا در اروپاست

آمریکا و متحدانش درباره استقرار احتمالی موشک‌های هدایت‌شونده کروز در اروپا با هم مساله دارند. هم‌اکنون آمریکایی‌ها به‌دنبال تجهیز و تسلیح هسته‌ای در اروپا هستند. در واکنش به نقض احتمالی «پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد» میان آمریکا و روسیه از طریق آزمایش‌های اتمی روسیه، واشنگتن در فکر استقرار احتمالی موشک‌های هدایت‌شونده کروز اتمی زمینی است. بنا به اطلاعات دریافتی این نشریه آلمانی، این مساله اکنون متحدان آمریکا در سازمان ناتو را نگران کرده است. در دیدار وزرای دفاع عضو این سازمان نظامی در اوایل فوریه گذشته آلمان و فرانسه به‌طور اساسی مخالفت خود را با نقض احتمالی پیمان از سوی روسیه اعلام کردند. همزمان متحدان اروپایی ناتو به اتهامات آمریکایی مظنونند و به آن شک دارند. هیچکدام از دستگاه‌های اطلاعاتی اروپا در این زمینه از اقدامات روشنگرانه آمریکایی‌ها آگاه نیستند. «پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد» در سال ۱۹۸۷ میلادی میان ۲ ابرقدرت جهان یعنی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق منعقد شد که به موجب آن ۲ کشور توافق کردند موشک‌های میان‌برد زمینی خود را از بین ببرند و بزودی از دستیابی و تولید موشک‌های جدید از این نوع نیز صرف‌نظر کنند. اکنون آن‌طور که اشپیگل مطلع شده، واشنگتن، مسکو را به آزمایش موشک‌های میان‌برد «آر ۵۰۰» که برد آنها ۵۰۰ کیلومتر ارزیابی می‌شود و نیز راکت‌های «آر اس ۲۶» بالستیک که می‌تواند تمام محدوده جغرافیایی اروپا را تهدید کند، متهم کرده است؛ اتهامی که در صورت عملی شدن ناقض پیمان مزبور خواهد بود.

به گفته برایان مک کئون، معاون وزیر دفاع آمریکا در پنتاگون، واشنگتن اکنون در حال آماده کردن پاسخ‌هایی است تا منافع ملی آمریکا و متحدانش را تامین کند. یکی از پاسخ‌های احتمالی آمریکایی‌ها، مستقر کردن موشک‌های کروز هدایت‌شونده زمینی در اروپاست. این گزارش با بیان آنکه برای این ائتلاف بزرگ، نزاع بر سر تسلیحات میان‌برد، نزاعی جدی و حساس است به نقل از رولف موتسنیچ، نایب رئیس فراکسیون حزب سوسیال ـ دموکرات پارلمان فدرال آلمان (بوندس‌تاگ) نوشت: ما از پیشرفت این نزاع، نگرانیم. آمریکا در آغاز دهه ۸۰ میلادی در چارچوب توافق دوجانبه سازمان ناتو حدود ۶۰۰ راکت اتمی خود را در اروپا مستقر کرد. این نزاع تسلیحاتی، حزب سوسیال ـ دموکرات آلمان را در حاشیه شکاف قرار داد و به‌طور غیرمستقیم به بهای کناره‌گیری هلموت اشمید، صدراعظم وقت آلمان در سال ۱۹۸۲ میلادی منجر شد.

اشپیگل

هشدار فرماندهان انگلیسی درباره ضعیف شدن توان نظامی این کشور

The Daily Telegraph

فرماندهان عالیرتبه ارتش انگلیس درباره تضعیف توان نظامی این کشور در مقابله با تهدیدهای جهانی بویژه روسیه هشدار دادند. عالیرتبه‌ترین فرماندهان نظامی انگلیس گفته‌اند با وجود تهدیدهایی از سراسر جهان، توان نظامی این کشور ضعیف شده است. ۴ تن از فرماندهان سابق نیروهای مسلح انگلیس با هشدار درباره افول نفوذ انگلیس، عمیقا درباره موضع انفعالی این کشور با وجود تشدید بحران‌ها در عراق، سوریه و روسیه ابراز نگرانی کردند و آن را با باج‌دهی انگلیس به آلمان نازی قبل از جنگ دوم جهانی مقایسه کردند.

دریادار سر نایگل در دیلی‌تلگراف نوشت: «شباهت‌های نگران‌کننده‌ای بین اکراه کنونی انگلیس از تجهیز تسلیحاتی خود و موضع آن در دهه ۱۹۳۰ وجود دارد که از آماده شدن برای مقابله با تهدید فزاینده هیتلر تا زمانی که تقریبا خیلی دیر شده بود، خودداری کرد».

میراث جنگ‌های عراق و افغانستان بدین معنی است که هیچ تمایل عمومی برای مشارکت در جنگی دیگر وجود ندارد و این امر به واکنش‌های ضعیف به تهدیدهای امنیتی در خاورمیانه از جمله در لیبی، سوریه و تهدید رو به تشدید تروریست‌های داعش انجامیده است.

فرماندهان سابق انگلیس از هر ۳ شاخه نظامی هشدار دادند کاهش تعداد نیروهای مسلح این کشور طی ۵ سال گذشته موجب تضعیف جدی اتحاد نظامی انگلیس با آمریکا شده است. به گفته آنها، در حالی که انگلیس اکنون با خطر واقعی درگیر شدن در تهاجم فزاینده روسیه در شرق اروپا مواجه است، سوالات جدی درباره توان آن برای واکنش مطرح است.

این هشدار در حالی صورت می‌گیرد که وزارت دفاع انگلیس با دور دیگری از کاهش شدید بودجه در بازنگری بودجه دولت در پاییز امسال مواجه است.

«جورج آزبورن» وزیر دارایی این کشور قبلا از لزوم کاهش ۵۰۰ میلیون پوند دیگر در بودجه دفاعی در سال کنونی سخن گفته است. به گفته کارشناسان موسسه «رویال یونایتد سرویس»، معلوم نیست انگلیس امسال بتواند طبق هدف توافق‌شده ناتو مبنی بر اختصاص ۲ درصد تولید ناخالص داخلی برای هزینه‌های نظامی عمل کند. داعش در هفته‌های اخیر پیشرفت‌های چشمگیری در عراق داشته است و بمب‌افکن‌های انگلیسی به‌عنوان بخشی از یک ائتلاف بین‌المللی حملاتی در داخل عراق داشته‌اند اما متعهد به انجام عملیات در سوریه نشده‌اند. «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر انگلیس استقرار نیروی زمینی برای مبارزه با داعش را رد کرده است. همکاران نایگل گفتند وزرا باید برای مواجهه با تهدید مستقیم رئیس‌جمهور روسیه و ستیزه‌جویی فزاینده وی، آماده شوند و روسیه باید اکنون تهدید اصلی و شماره یک باشد. به گفته آنها، رویدادهای کنونی در شرق اروپا، شامل اوکراین و کشورهای دیگر، ممکن است به یک جنگ عمده تبدیل شود و باید به دقت مراقب این مساله بود اما تهدیدهای دیگر در سراسر جهان از قبیل داعش را نیز باید مدنظر داشت. با این حال آنها هشدار دادند نهایتا روسیه است که تهدیدی نابودگر محسوب می‌شود. فرماندهان انگلیسی هشدار دادند تهاجم روسیه به یکی از متحدان ناتو از قبیل لتونی می‌تواند آغازگر یک جنگ بین غرب و پوتین باشد و روسیه از توان نظامی، فناوری و نیروهای نظامی وسیع برای یک جنگ بسیار جدی برخوردار است.

سخنگوی وزارت دفاع انگلیس در واکنش به این هشدار گفت: «لندن دومین بودجه دفاعی بزرگ در ناتو و بزرگ‌ترین بودجه دفاعی را در اتحادیه اروپایی دارد و به هدف تعیین‌شده ناتو مبنی بر اختصاص ۲ درصد تولید ناخالص داخلی به هزینه‌های نظامی در سال مالی کنونی متعهد است».

دیلی تلگراف

شیعیان هند و علاقه روزافزون به ایران

the weekly Standard

شیمون شاپیرا: ماه مه سال ۲۰۱۵ به شهر «لکنو»ی هند سفر کردم که مهم‌ترین مرکز شیعیان در این کشور به شمار می‌رود. این سفر به لحاظ ترکیب استثنایی بود زیرا متشکل از یک هیات اسرائیلی از مرکز امور عمومی بیت‌المقدس به سرپرستی «دوری گولد» و یک هیات سعودی از مرکز مطالعات راهبردی و حقوقی خاورمیانه در شهر جده عربستان سعودی به سرپرستی ژنرال «انور ماجد عشقی» بود. رهبران جامعه شیعه در لکنو؛ از جمله امیرخان، راجه (عنوان حکام و فرمانروایان در هند) محمودآباد و پسرش علی‌خان و همچنین گروهی از روشنفکران و معلمان مدارس محلی میزبانان ما در این سفر بودند. این یک نشست استثنایی میان یهودیان از بیت‌المقدس، سنی‌های سعودی از مکه مکرمه و مدینه منوره و شیعیان هندی از لکنو بود. برای من سفر به لکنو، رویایی بود که به واقعیت تبدیل شده بود. نخستین بار نام لکنو را در کنفرانسی شنیدم که مرکز دایان سال ۱۹۸۴ آن را در دانشگاه تل‌آویو برگزار کرده بود. این کنفرانس در زمان جنگ نخست لبنان برگزار شد و دستگاه‌های اطلاعاتی مختلف اسرائیل گردهم آمده بودند تا درباره مقابله با شیعیان به طور کلی و برخورد با شیعیان لبنان به طور خاص گفت‌وگو کنند. یکی از موضوعات مورد بحث در این کنفرانس، به شیعیان لکنو مربوط می‌شد. دومین باری که با نام لکنو برخورد کردم اوایل دهه ۱۹۹۰ یعنی زمانی بود که در حال نوشتن مقاله‌ای درباره افراطی شدن شیعیان لبنان بودم. من همچنین با توصیف جالبی از سوی «جیمز فین» کنسول انگلیس در بیت‌المقدس بین سال‌های ۱۸۴۵ تا سال ۱۸۶۳ درباره نشست غیرمعمول وی با یک تبعیدی ایرانی به نام نصرالله‌خان روبه‌رو شدم که از خاندان قاجار در جنوب لبنان بود. این نشست در خانه حامد بی، فرماندار شیعه جبل امین در روستای تبنین برگزار شده بود. من پس از یک ساعت پرواز از دهلی‌نو پایتخت هند، اکنون واقعا در لکنو بودم. راجه محمودآباد و پسرش علی‌خان به گرمی از ما استقبال کردند. مشخص بود آنها می‌خواهند اطلاعاتی را درباره جامعه شیعیان هند در اختیار ما قرار دهند. شیعیان لکنو ۱۸ درصد از جمعیت ۱۷۰ میلیون نفری شیعیان هند را به خود اختصاص می‌دهند. راجه محمودآباد به خوبی با جهان شیعه خارج از هند آشنا بود. او دهه ۱۹۶۰ دو ماه را در منطقه طیر در جنوب لبنان سپری کرده و میهمان امام‌موسی صدر بود. راجه محمودآباد همچنین با محمدحسین فضل‌الله، مرجع تقلید شیعیان لبنان آشنا بود که رهبران حزب‌الله نیز از نوشته‌ها و سخنرانی‌های او الهام می‌گرفتند. وی همچنین آیت‌الله محمدباقر صدر از رهبران شیعه عراق را نیز که آوریل سال ۱۹۸۰ به دست صدام اعدام شد، می‌شناخت. علاوه بر این او با پیوندهایی که با رهبران مذهبی در ایران از جمله آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی و همچنین آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر عالی ایران وجود داشت، مانوس بود. دانشجویان زیادی از لکنو به شهر نجف اشرف رفته بودند که پیش از سلطه صدام بر عراق مهم‌ترین مرکز علوم مذهب شیعه در دنیا به شمار می‌رفت. شکنجه شیعیان به دست رژیم بعث عراق در اوایل دهه ۱۹۷۰ باعث شد دانشجویان شیعه لکنو برای ادامه تحصیل به شهر قم در ایران سفر کنند و این شهر خیلی سریع به مرکزی برای تحصیل شیعیان تبدیل شد. برخی دیگر مانند علی‌خان برای ادامه تحصیل به مرکز شیعه [حضرت] زینب نزدیک دمشق پایتخت سوریه رفتند. او در آنجا به زبان عربی درس خواند و اکنون عربی را روان صحبت می‌کند. او امروز حوادث در سوریه را با نگرانی بسیار دنبال می‌کند و نگران سرنوشت مدارس شیعه و حرم [حضرت] زینب[س] در این کشور است. لکنو احترام زیادی برای ایران قائل است. روابط مذهبی و فرهنگی بین دو طرف بسیار قوی است. شیعیان لکنو بسیار علاقه‌مند هستند به اماکن مقدس ایران بویژه شهر مشهد سفر کنند که والدین راجه محمودآباد نیز در آنجا دفن شده‌اند. راجه محمودآباد گفت: «برای ما، ایران یک هویت مذهبی و فرهنگی است و اهمیت آن برای ما بیشتر از هر مرکز اسلامی دیگر در جهان است». جامعه شیعیان لکنو، ایران را منبع هویت مذهبی و فرهنگی می‌دانند اما خودشان را مطیع فتواهایی نمی‌دانند که مراجع دینی ایران صادر می‌کنند. نشست شیعیان لکنو با سنی‌های سعودی از مکه و مدینه بحث درباره تنش‌های اخیر را نیز شامل شد. راجه گفت افراط‌گرایی مذهبی در اسلام با فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل گرفتن پادشاهی عربستان سعودی آغاز شد. وی افزود: «سعودی‌ها سال‌هاست از جنبش‌های اسلامگرا که اکنون افراطی خشونت‌طلب شده‌اند حمایت می‌کنند».

ویکلی استاندارد

آمریکا آماده است به هر قیمتی با ایران توافق کند

DEBKAfile

اظهارنظر اخیر وزیر خارجه آمریکا نشان می‌دهد واشنگتن می‌خواهد در مذاکرات هسته‌ای خود با ایران کوتاه بیاید. جان کری گفت: «آمریکا و شرکایش در مذاکرات هسته‌ای بر موضوع به اصطلاح ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران متمرکز نشده‌اند، زیرا آنها تقریبا تصویر کاملی از فعالیت‌های گذشته ایران دارند». این اظهارنظر خلاصه‌ای از تناقضات و دروغ‌ها بود.

به ۵ مثال اشاره می‌کنیم تا نشان دهد آمریکا - در گذشته و حال - درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایرانی‌ها اطلاعات کافی ندارد.

۱- با وجود درخواست‌های پی در پی بین‌المللی برای کنترل و بررسی آزمایش‌های انفجار هسته‌ای در مجموعه نظامی پارچین، همچنان این مجموعه روی بازرسان بین‌المللی بسته است. بدون اطلاعات دقیق، آمریکا و اسرائیل همچنان درباره فعالیت‌های این مرکز نظامی مشکوک هستند. با وجود این، کری می‌گوید: «ما می‌دانیم آنها چه کرده‌اند».

۲- در تاسیسات زیرزمینی فردو که برای همه روشن است ایرانی‌ها در آنجا غنی‌سازی اورانیوم را با دستگاه‌های پیشرفته سانتریفیوژ انجام می‌دهند- تنها پس از کشف این فعالیت‌ها، ایران آن را تایید کرد- هیچ اطلاعاتی درباره دیگر فعالیت‌هایی که در این تاسیسات زیرزمینی انجام می‌شود، در دست نیست.

۳- ایران به انجام فعالیت در سایت‌های محرمانه معروف است. هرچند تردیدهای بسیاری در این زمینه وجود دارد، به علت دسترسی نداشتن به سایت‌های ایران، شواهد موثقی برای اثبات تردیدها درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران وجود ندارد.

۴- سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا هنوز اطلاعات کاملی درباره همکاری هسته‌ای ایران و کره‌شمالی یا برنامه‌های مشترکشان برای توسعه موشک‌های بالستیک در دست ندارند.

بارها هیأت‌های نمایندگی از دانشمندان هسته‌ای ۲ کشور از تاسیسات هسته‌ای یکدیگر بازدید کرده‌اند اما تاکنون هیچ‌کس نتوانسته است اطلاعات دقیقی درباره مبادلات این ۲ کشور به دست آورد. سوال این است اگر ایران قصد ندارد سلاح اتمی بسازد چرا این همکاری ادامه دارد؟ و اینکه این همکاری تا چه میزان بوده است؟ پاسخی برای هیچ‌یک از این ۲ سوال وجود ندارد.

۵- بازرسان آمریکایی و بین‌المللی هیچ‌یک تاکنون به طور مستقیم به دانشمندان هسته‌ای ایران که در پروژه‌های نظامی هسته‌ای فعالیت دارند، دسترسی نداشته‌اند. تا حالا تهران همه درخواست‌ها را برای مصاحبه با دانشمندان رد کرده یا نادیده گرفته است. بنابراین زمانی که کری می‌گوید مذاکره‌کننده‌ها «تقریبا تصویر کاملی از فعالیت‌های گذشته ایران دارند» به ایران اجازه می‌دهد از فشارها برای ارائه اطلاعات یا حتی در اختیار قرار دادن تاسیسات مشکوکش برای بازرسان بین‌المللی شانه خالی کند.

از نظر آمریکا جایز است برای رسیدن به هدف مهمش یعنی امضای توافق نهایی هسته‌ای با ایران، همه این جزئیات نگران‌کننده را نادیده بگیرد.

«باب کورکر» سناتور جمهوری‌خواه و رئیس کمیته امور خارجی سنای آمریکا در نامه‌ای به باراک اوباما رئیس‌جمهور گفت: «مشاهده تفاوت بسیار میان اهداف اصلی شما و اظهارات ۱+۵ در جریان مذاکره با ایران حیرت‌آور است». منظور وی این بود که مذاکره‌کننده‌ها از مواضع اولیه خود عقب‌نشینی کرده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان به عقب‌نشینی از تلاش برای توافق ۲۰ ساله به یک توافق ۱۰ ساله و آمادگی برای صدور مجوز برای ادامه برنامه موشک‌های بالستیک تهران و ادامه تحقیق و توسعه روی سانتریفیوژهای هسته‌ای اشاره کرد.

البته باید در نظر داشت امتیازات دولت اوباما برای تضمین توافق هسته‌ای به موارد فوق ختم نمی‌شود و بیشتر از اینهاست. منابع دبکافایل افشا کرده‌اند واشنگتن آماده می‌شود از موضع خود مبنی بر بازرسی‌های اعلام‌نشده براساس پروتکل الحاقی عقب‌نشینی کند و یا محدود کردن بازرسی‌ها تنها به تاسیسات هسته‌ای که ایران مشخص کرده است و تنها پس از اعلام ۲ هفته‌ای موافقت کند.

اوباما با پذیرش درخواست ایران برای تقسیم توافق نهایی به ۲ قسمت، مهم‌ترین امتیاز را به ایران هدیه کرده است. بخش اول علنی اعلام خواهد شد و بخش بعدی که شامل پروتکل‌های فنی است محرمانه خواهد ماند. «وندی شرمن» مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی تلاش‌های بسیاری کرد هر ۲ بخش منتشر شود و معتقد بود در غیر این صورت رئیس‌جمهور نمی‌تواند مجوز کنگره را برای توافق هسته‌ای دریافت کند اما با نظر وی موافقت نشد. رئیس‌جمهور آمریکا چنین رویکردی را نیز درباره تحریم‌ها اجرا کرد. در حالی که وی ادعا می‌کرد تا زمانی که ایران تعهدات خود را اجرا نکند، تحریم‌ها علیه آن لغو نخواهد شد اما به شرکت‌های آمریکایی اجازه داد با شرکت‌های ایرانی برای تجارت وارد مذاکره شوند.

پایگاه اینترنتی دبکافایل

اینجا آنچه نادیدنی است، می‌بینید
فصل شیدایی
نمایش بزرگ
طراح و کارگردان: سعید اسماعیلی | راوی و نویسنده متون: رسالت بوذری
برای ثبت نام عدد ۱ را به شماره ۳۰۰۰۴۱۹ پیامک کنید.
مجری طرح: مرکز هنرهای نمایشی انقلاب اسلامی "مهنا"
با مشارکت ناحیه مقاومت بسیج جماران
مکان: انتهای بلوار ارتش، کیلومتر ۲ جاده لشگرک
شب‌های ماه مبارک رمضان
از اذان مغرب همراه با پذیرایی افطار
www.mohanna.ir
Fasleshey daei

واپسین هشدارها

تیتر یک

ادامه از صفحه اول

هیچ نوعی از مدیریت قادر به رفع این نگرانی نخواهد بود مگر اینکه اجرای برجام حقیقتا به رعایت ملاحظات امنیت ملی ایران مشروط شده باشد که نشانه‌ای در این باره وجود ندارد. جنبه دوم، اصرار ۱+۵ بر حفظ تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران است. یک مراجعه گذرا به متن قطعنامه‌های شورای امنیت نشان می‌دهد تحریم‌های تسلیحاتی بویژه تحریم‌های مرتبط با برنامه موشکی قلب تپنده این قطعنامه‌هاست و تقریبا در تمام قطعنامه‌ها برنامه موشکی ایران به‌عنوان بخشی از برنامه هسته‌ای تحلیل شده است. اصرار بر حفظ تحریم‌های تسلیحاتی در واقع از برنامه آینده آمریکایی‌ها پرده برمی‌دارد و ثابت می‌کند هدف غرب این است که فشارها بر برنامه موشکی ایران را بلافاصله پس از توافق تشدید کند. یکی از مشخصات ساده یک توافق خوب هسته‌ای این است که این توافق حقیقتا هسته‌ای باشد و راه دست‌اندازی غرب به سایر حوزه‌های قدرت ملی ایران از جمله حوزه نظامی را به نحو اطمینان‌بخشی مسدود کند.

■ آیا تحقیق و توسعه ادامه می‌یابد؟

صهیونیست‌ها چند ماه قبل به صراحت گفته بودند هیچ چیز در توافق نهایی برای آنها به اندازه محدود شدن برنامه تحقیق و توسعه ایران اهمیت ندارد. ظاهرا آمریکایی‌ها- مثل خیلی از موارد دیگر- این توصیه را بسیار جدی گرفته‌اند. اطلاعاتی که از وین واصل شده نشان‌دهنده آن است که کار علی‌اکبر صالحی و ارنست مونیز بسیار دشوار شده و مونیز خواستار محدودیت‌هایی در برنامه تحقیق و توسعه است که کسی مانند صالحی به‌خوبی می‌داند این محدودیت‌ها برنامه تحقیق و توسعه ایران را تا مرز نابودی خواهد کشاند. تحقیق و توسعه تنها ابزار در اختیار ایران است که مطمئن باشد، برنامه هسته‌ای در طول سال‌های محدودیت، همچنان ادامه حیات خواهد داد. اگر تحقیق و توسعه واقعی- همراه با ساخت برخی قطعات کلیدی- و با تعداد مناسبی از ماشین‌ها انجام نشود، همزمان ماشین‌های فعلی در تاسیسات مستهلک شود و ماشین جدیدی نیز ساخته نشود و باز همزمان با اینها، ایران مواد هسته‌ای قابل غنی‌سازی مجدد نیز تولید نکند، عملا ظرف ۱۰ سال چیزی از برنامه هسته‌ای ایران باقی نخواهد ماند. این مساله را باید در کنار بحرانی گذاشت که بدون شک نیروی انسانی شاغل در برنامه هسته‌ای گرفتار آن خواهد شد. تداوم یک برنامه کامل تحقیق و توسعه، تضمینی است برای اینکه صنعت هسته‌ای در طول سال‌های اعتمادسازی، همچنان زنده و بانشاط باقی خواهد ماند و بلافاصله پس از برچیده شدن محدودیت‌ها نیز می‌تواند به سمت اهداف صنعتی جهش کند.

محدودسازی تولید دانش در ایران بدعتی بزرگ و بی‌سابقه است که آمریکایی‌ها درصدد تحمیل آن به‌عنوان بخشی از توافق نهایی هستند. ایستادگی تیم مذاکره‌کننده در این حوزه، حتی اگر به منتفی شدن توافق بینجامد، ارزشش را دارد.

■ اختلافات موجود

تا یک هفته پیش جدول زمانی تعلیق تحریم‌ها و نوع دسترسی و بازرسی که آژانس در طول گام نهایی در اختیار خواهد داشت، مهم‌ترین اختلاف‌ها روی میز مذاکرات بود. اکنون مذاکره‌کنندگان می‌گویند از این اختلافات عبور کرده‌اند. به هیچ‌وجه روشن نیست این اختلافات حاد به چه روشی حل شده و آیا این روش‌های جایگزین حقیقتا به خطوط قرمز ایران متعهد هست یا نه. با این حال، اکنون خبرها به ما می‌گوید مذاکره‌کنندگان از بحث تحریم و بازرسی عبور کرده‌اند و اختلاف‌ها به ۳ مورد اصلی محدود شده است:

۱- لغو یا باقی ماندن تحریم‌های تسلیحاتی
۲- زمان توافق
۳- تحقیق و توسعه

این گمان به طور جدی وجود دارد که شاید اهمیت این ۳ موضوع هم برای آمریکایی‌ها یکسان نباشد و برخی را با هدف چانه‌زنی و امتیازگیری در دیگری برجسته کرده باشند. اگر میزان تاثیر صهیونیست‌ها بر تیم مذاکره‌کننده آمریکا را جدی بگیریم- که باید چنین کرد- یک سناریوی محتمل این است که آمریکایی‌ها در ساعات آخر، حاضر به امتیازدهی درباره تحریم‌های تسلیحاتی و حتی زمان توافق شوند به شرط اینکه برنامه تحقیق و توسعه ایران به میزانی که آنها می‌خواهند محدود شود. این سناریویی است که تیم مذاکره‌کننده باید عمیقا از آن مراقبت کند.

خیانت غربزدگان به مذاکرات

نگاه امروز

ادامه از صفحه اول

این جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی رسمی دولت صهیونیستی در فضای جهانی در حالی ادامه دارد که به تازگی شبکه اجتماعی اینستاگرام، صفحه «ما عاشق مبارزه با صهیونیست‌ها هستیم» را با قریب به ۱۰۰ هزار عضو، بدون هیچ‌گونه توضیحی حذف کرد. این قانون دنیایی است که با «نظم صهیونیستی» اداره می‌شود و جایی برای «انصاف و عدالت جهانی» در آن وجود ندارد.

همین اوبامای «مودب و باهوش» چند سال پیش‌تر، در دوره اول ریاست‌جمهوری، در کنار نخست‌وزیر فرانسه و انگلیس مقابل دوربین رسانه‌های جهانی ایستاد و گفت: «ما ۳ کشور، با اطلاعات و اسناد معتبر به دست آمده مطمئن شده‌ایم که ایران در قم- تاسیسات اتمی فردو- در حال ساخت بمب اتم است». به همین راحتی ایران در لیست تحریم‌ها قرار گرفت و پیش از اعلام این نظر سیاسی رسمی، هیچ نظرخواهی تخصصی از آژانس انرژی اتمی صورت نگرفت.

اکنون آیبک از ما می‌خواهد برنامه هسته‌ای‌مان را برای دست‌کم ۱۰ سال تعطیل کنیم، زیرساخت‌های گرانقیمت هسته‌ای را برچینیم و اسناد و مدارک محرمانه نظامی‌مان را در قالب برنامه راستی‌آزمایی و نظارت بین‌المللی در اختیار همگان قرار دهیم و سال‌ها منتظر صدور حکم راستی‌آزمایی با تن دادن به بازرسی‌های سرزده «هر کجا و هر زمانی» بمانیم تا در مقابل تنها بخشی از تحریم‌های ظالمانه وضع شده بر ضد مردم و دولت‌مان به صورت تدریجی و با قابلیت برگشت‌پذیری لحظه‌ای، «تعلیق» شود!

پرواضح است که هدف اصلی از چنین «توافق خوب آمریکایی- صهیونیستی» تنها فریز توانمندی‌های هسته‌ای ایران نیست! هدف از توافق پیشکش شده به ایران با چانه‌زنی مکرر بر سر مسائلی که پیش از این بر سر آنها توافق شده بود نیز رساندن ایران به نقطه «برگشت‌ناپذیری در مذاکرات» است، زمانی که دولت به حدی در آرزو و اندیشه کسب یک «توافق»، خود و ملت را گرفتار کرده که از توان لازم برای ترک میز مذاکرات همراه با افشای بازی‌های آمریکایی-صهیونیستی، برخوردار نباشد.

در این میان عده‌ای همچون هاشمی‌رفسنجانی بی‌توجه به هدف اصلی ایرانیان از مذاکرات ۱۲ساله، بدون اشاره به بدعهدی مکرر طرف آمریکایی با ذوق‌زدگی تمام از اهمیت «شکسته شدن تابوی مذاکره مستقیم با آمریکا» در مصاحبه با رسانه‌های غربی سخن می‌گویند و احتمال بازگشایی سفارت آمریکا در تهران را محاسبه می‌کنند! مگر هدف بهبود وضعیت معیشت مردم و رفع تحریم‌های ظالمانه اعلام نشده بود؟! اکنون که آمریکا رسما «لغو تحریم‌ها» را آرزویی محال می‌خواند و «تعلیق تحریم‌ها» را هم با حیله‌گری به هزار اما و اگر رونمایی شده در لحظه آخر، موکول کرده، چطور شد که اهداف مذاکره تغییر و تحول یافت و همین صرف «گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا» کفایت کرد؟! آیا این رفتار نتیجه‌ای جز امیدواری آمریکا به امکان خیانت‌ورزی بیشتر مقابل تیم مذاکره‌کننده کشورمان در پی خواهد داشت؟

احتمالا آمریکایی‌ها خواهند گفت صرف گفت‌وگوی مستقیم با ما آن هم توأم با تعلیق بخشی از تحریم‌ها براساس برنامه زمانی مورد پسند آیبک، برای شما کافیست! بروید مهیای جشن توافق هسته‌ای با «قدرت‌های جهانی» شوید!

حقیقت این است که هیچ پشتیبانی از تیم مذاکره‌کننده کشورمان در میان تیم غربزدگان به چشم نمی‌خورد. سقف خواسته‌های آنها بسیار پایین‌تر از «توافق خوب ایرانی» است و به جای ارائه راهکارهایی برای تامین حداکثری منافع ملی بر سر میز مذاکرات، صرف مذاکره با آمریکا را موفقیتی بسیار بزرگ برای خود ارزیابی می‌کنند. به همین علت است که «توافق با غرب» را حتی بدون روخوانی متون، شرط پیروزی و شایسته برپایی «جشن و پایکوبی» برمی‌شمارند.

بزرگ‌ترین شاهد این مدعی رفتار رسانه‌ها و فعالان سیاسی تیم غربزدگان است که هرگونه نقد و بررسی متون توافقات قبلی و اخبار و تحلیل‌های مرتبط با توافق نهایی احتمالی را با انگ «بی‌احترامی و بی‌اعتمادی به مذاکره‌کنندگان» ممنوع کردند! در حالی که بخشی مهمی از قدرت چانه‌زنی بر سر میز مذاکره، برآمده از پتانسیل اجتماعی بالقوه‌ای است که دیپلمات‌های دو طرف با اتکا به احتمال «بالفعل شدن» آن به واسطه تصمیمات سیاسی مذاکراتی، خطوط قرمز و تخطی‌ناپذیر خود را ترسیم و محور به محور منافع ملی گروگان گرفته شده را آزاد می‌کنند. غیر از این عمل کنیم، حصول «توافق بد» حتمی خواهد بود

سیلی «قاسم» و «عبدالله» بر گوش اصحاب قیاس

یادداشت امروز

ادامه از صفحه اول

صدالبته «لا یوم کیومک یا اباعبدالله». همان مصلحت که «علی‌بن‌ابی‌طالب» را ۲۵ سال وادار به سکوت کرد و ۵ سال وادار به حکومت و ۳ بار وادار به جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین؛ همان مصلحت که «حسن‌بن‌علی» را یاری وادار به منصب‌بخشی، یاری وادار به صلح کرد؛ همان مصلحت که پای «حسین‌بن‌علی» را به وادی کربلا کشاند؛ همان مصلحت که باعث شد «قمر منیر بنی‌هاشم» به آن امان‌نامه لعنتی، «نه» بگوید؛ همان مصلحت که سبب شد «خانم زینب سلام‌الله‌علیها» با «ما رأیت الا جمیلا» سرخ‌ترین سیلی ممکن را بر گوش یزیدیان همه تاریخ بخواباند... و همان مصلحت که روزی امر را دائر بر ۸ سال دفاع مقدس کرد و دگر روز، حکم به پایان جنگ داد؛ آری! همه این مصلحت‌ها که فی‌الواقع «یک مصلحت» است، به مردمان مذاکره‌کننده ما دارد می‌گوید «گیرم ملت و ولایت برای تو، هیچ خط قرمزی نمی‌گذاشتند! معطوف به سرمایه نستوهی که داری، معطوف به مادران فرزند از دست‌داده که چون کوه، محکم و باشکوه ایستاده‌اند و معطوف به عقل و تدبیر، فقط و فقط یک «توافق خوب» باید بیاوری، با کمترین داده ممکن و بیشترین ستانده ممکن، یعنی لغو همه تحریم‌ها در همان روز امضای توافق». این مهم، هم درس «صلح حسن» است، هم درس «جنگ حسین». اگر به نیکی گفته‌اند «کلهم نور واحد» بنابراین «درس صلح» و «درس جنگ» یکی است: «تشخیص درست مصلحت، آن هم بر مبنای عزت، حکمت و درایت». این درسی است که هم «صلح امام دوم» به این مردمان می‌دهد، هم «جنگ امام سوم»، ایضا «درس قطعنامه» هم همین است. حال آمدیم و مذاکره به علت «عدم توافق» به شکست انجامید. ما اینقدر انصاف داریم که در آن صورت، تقصیر را بیندازیم گردن دشمن بی‌آبرو. منتهای مراتب به جد بر این باوریم: شکست به معنای «عدم توافق» صد شرف دارد در قیاس با شکست به معنای «توافق بد». اگر در «شکست به معنای عدم توافق» نوعی از «عزت» مستتر است، مع‌الاسف «شکست به معنای توافق بد» ناظر بر شرایط روزگار، سرمایه بزرگ صنعت هسته‌ای و دست کاملا باز مردمان دیپلمات، مصداق بارز «ذلت» است.

چهار- اگر یک چیزهایی هست که به پای ملت و ولایت نوشته می‌شود، لیکن یک وصله‌هایی هم هست که هرگز، نه به جمهور می‌چسبد، نه به بزرگان، نه به مراجع، نه به «مرگ بر آمریکا»، نه به «هیهات منا‌الذله»، نه حتی به ما اصحاب نقد! مذاکرات به هر معنایی شکست بخورد، گناه آیت‌الله جوادی‌آملی چیست که همان بدو امر، پند داد آقایان را که هنگام دست دادن به شیطان بزرگ، انگشتان دست خود را بشمرند؟! گناه آیت‌الله نوری‌همدانی و آیت‌الله مکارم‌شیرازی چیست که ایشان هم بر مدار همان سخن بزرگان، تاکید کردند خوشبین به مذاکره با شیطان بزرگ در هیچ زمینه‌ای نیستند؟! گذشته از مراجع غیور، گناه آن استاد دانشگاه چیست که با وجود رای به آقای روحانی، حتی با وجود اندکی گرایشات غربگرایانه، لااقل من‌باب ملی‌گرایی، هرگز حاضر نشد به فراخوان دفاع از توافق ژنو و بیانیه لوزان «آری» بگوید؟! بنابراین مقصر هر شکستی و تقصیر شکست به هر معنایی، علاوه بر خباثت ذاتی شیطان بزرگ، دست‌دادن‌های دودستی به ابلیس است، نه ملت و ولایت و حوزه و دانشگاه. کور خوانده‌اند «فی قلوبهم مرض» اگر که بخواهند به اسم تحلیل، اباطیل به خورد ملت دهند! زنجیره‌ای‌ها کور خوانده‌اند! خاطره‌گویان، کور خوانده‌اند!

پنج- بگذار این یکی را صریح‌تر بنویسم؛ جا دارد! گاه هست که جز «انقلابی نوشتن» یعنی «قلابی نوشتن»! آنچه پای بزرگان نوشته خواهد شد، تنها و تنها آن اذنی بود که به‌رغم خوشبین نبودن، به این مردمان مذاکره‌کننده دادند بلکه بروند در خلال یک «توافق خوب» مسبب «لغو همه‌جانبه تحریم‌ها» شوند. یعنی که شاید بتوانستند! شاید شد! دیدیم و شنیدیم؛ هم دعایشان کردند، هم حمایتشان کردند، هم بعضا متذکر بعضی از منتقدان شدند، هم مشورت کارشناسانه و از روی عمری تجربه به ایشان دادند و هم این مهم را علی‌الدوام به آقایان گوشزد کردند بلکه مبادا فریب خنده دشمن را بخورند! جالب اینجاست: حمایت البته مشروط «حضرت آقا» از مردمان مذاکرات، آنقدر شفاف و پررنگ بود که این مردمان، اغلب در پاسخ به پرسش مستدل ما، پشت سخن بزرگان، مخفی می‌شدند و همچنان هم می‌شوند! لذا وقتی نظام، در پشتیبانی منطقی از دوستان دیپلمات، لحظه‌ای کم نگذاشته، حق و انصاف آن است که تنها و تنها «توافق خوب مبتنی بر لغو تحریم‌ها» پای بزرگان نوشته شود، نه «هر توافقی...» نه حتی «عدم توافق»! آری! وقاحت دشمن، همان به پای خود اجنبی نوشته شود. بهانه آوردن ممنوع! همه جور حمایتی از دوستان وزارت امور خارجه شد! بی‌خود برای توجیه به نتیجه نرسیدن احتمالی مردمان زحمتکش دستگاه دیپلماسی، برندارند بعضی‌ها مقدمه‌چینی یعنی توطئه‌چینی کنند! از این جماعت دیپلمات-و صرف‌نظر از خوشبین نبودن!- حمایت مکرر شده جهت نیل به هدف لغو تحریم‌ها در همان روز امضای توافق، آن هم برای آسودگی بیشتر ملت. از این عزیزان حمایت نشد که هر توافقی ولو توافق بد، از عدم توافق بهتر باشد! بهانه آوردن ممنوع! توافق بد آوردن ممنوع! مقایسه‌های غلط ممنوع! برداشت «سازش ذلیلانه» از «نرمش قهرمانانه» ممنوع! مخفی شدن پشت سخن بزرگان، به جای سینه سپر کردن در راه ولایت ممنوع! فرافکنی در پاسخ به اهل نقد ممنوع! بی‌احترامی به ملت و منعکس‌کنندگان نظر ملت ممنوع! توهین به اهل قلم مستقل و متعهد ممنوع! اشعث مرد، خدا لعنتش کند! اینجا هم، «ام‌القرای جهان اسلام» محل رشد و نمو «مصطفی چمران خمینی» و «مصطفی احمدی‌روشن خامنه‌ای» است، نه بلاد کوفه! اینجا «کوفه» نیست که «مسلم» بعد از تشهد نماز، مسلمانی گرد خود نبیند! اینجا محبوبیت مضاعف دارد سفیر امام عاشورایی! اینجا ملت، صرف‌نظر از هر عقیده و سلیقه‌ای، تعصب دارد روی حاج‌قاسم سلیمانی، سوگند می‌خورد به نام شهدایی‌اش! اینجا آنچه زیاد دارد «مسلم» است! و «پدر چند شهید داده» خود یک پا مسلم است! هیهات! با وجود جنگ مثال‌زدنی «قاسم» و «عبدالله» در یوم‌العیار عاشورا، انگ سازش به «حسن‌بن‌علی» نمی‌چسبد! از «قیامت کربلا» عبدالله و قاسم را بگیری، گویی روضه را از عاشورا گرفته‌ای! این سخن را هم «مداح اهل دل» تصدیق می‌کند، هم «سخنران بالای منبر». «غریب مدینه» فقط «۲ ابن‌الحسن» تقدیم سیدالشهدا نکرد؛ پیش از این هم باری در وصف مظلومیت مضاعف کریم‌اهل‌بیت خطاب به امام مجتبی(ع) نوشته بودم که تو آنقدر کریمی که کربلا را هم به حسین (ع) بخشیدی، بلکه حتی امروز هم ناظر بر پاره‌ای مقایسه‌های نادرست و بی‌مبنا، در اوج مظلومیت باشی!

خمینی، مصر و مصمم بود ملت ما را از ملت صدر اسلام، غیورتر و باوفاتر بخواند! آقایان! زمان، زمان مناسبی برای کوفی شدن نیست! اشعث مرد، سردار سلیمانی لیکن شهید حی و حاضر و زنده است! اگر راست می‌گویید، بروید در جلد عمار! بروید در جلد سلمان! بروید در جلد مقداد! برای بازی در «فیلم مذاکرات» نقش بد را انتخاب نکنید حسن‌بن‌علی، فی‌الحال، در شرایط «جنگ جمل» است، چرا که نه ما اهل کوفه هستیم و نه این شهر، شهر کوفه است! این را ما پای کرامت بی‌مثال «اول فرزند فاطمه و علی» می‌نویسیم که سید و سالار سیدالشهدا بود امام مجتبی، ایضا معلم علمدار کربلا در جنگ‌آوری! لطفا بفهمید سخن درباره کدام جنگاور دلاور لکن مظلوم تاریخ می‌رانید! «ما اهل کوفه نیستیم، حسن‌بن‌علی تنها بماند»! اصحاب قیاس! بی‌خود دلواپس تاریخ نباشید! «بقیع» برای ما، هیچ کم از «بین‌الحرمین» ندارد. برای ما، «مدینه» همان «کربلا»ست. ما «حسن‌بن‌علی» را دقیقا اندازه «حسین‌بن‌علی» دوست می‌داریم. به همان دلیل که «سیدالشهدا» همه افتخار ماست، «کریم اهل بیت» نیز. ما متوجه علت «صلح حسن‌بن‌علی» هستیم. آنچه نمی‌فهمیم، اصرار شما در بعضی مقایسه‌هاست! از قضا «کوچه‌های چند شهید داده» آمادگی کامل دارند تا «انتقام کوچه بنی‌هاشم» را بگیرند! خیال‌تان تخت! ما شما را از نگرانی درخواهیم آورد! اندکی صبر کنید! جز با «ذوالفقار» نخواهد آمد «حضرت یار»!

اولین خیریه سایبری
مساله محور در ایران
#۵*۶*۰۲۷*
۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰
همت
www.Hemmat110.com

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

www.vatanemrooz.ir